



نقش سرمایه گذاری های عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی (نمونه ناحیه کاشان)

پدیدآورنده (ها) : سعیدی، عباس‌رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ دارایی، حسن

جغرافیا :: نشریه تحقیقات جغرافیایی :: زمستان ۱۳۸۵ - شماره ۸۳ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۵۳ تا ۷۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/114346>

دانلود شده توسط : معصومه ازقندی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- چالش های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی ایران
- تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی
- تبیین الگوی راهبردی مناسب بر ماندگاری جمعیت در سکونتگاه های روستایی (مطالعه موردی دهستان سلوک شهرستان هشتگرد)
- بررسی نیازها و اولویت های جامعه روستایی از نظر زنان روستایی استان یزد
- بررسی و ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل)
- بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر
- اثر تحولات جمعیتی بر ساختارهای فضایی - مکانی سکونتگاه های روستایی مطالعه موردی، بخش مرکزی بیرجند
- ضبط اموال و شرایط آن در قرارهای تأمین کیفی/ قسمت اول
- مخاطرات انسانی: تهدیدهای امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط
- تبیین استراتژی مناسب ماندگاری جمعیت در سکونتگاه های روستایی مطالعه موردی: شهرستان هشتگرد
- بررسی جایگاه دهیاری ها به عنوان نهادهای میانجیگری بین دولت و مردم (مورد مطالعه روستاهای شهرستان نجف آباد)
- بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، آینده نگری، مشکلات و راهبردها

عناوین مشابه

- نقش سرمایه گذاری های دولت در ظرفیت سازی مناطق روستایی ؛ (نمونه موردی: روستاهای ناحیه آران و بیدگل)
- بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم سرمایه گذاری های عمرانی دولت بر رشد بهره وری کل و فقرزدایی در منطق روستایی ایران
- بررسی تأثیر فعالیت های عمرانی جهاد سازندگی بر تثبیت جمعیت روستایی در مقطع زمانی ۷۵ - ۵۵
- بررسی اقتصادی نقش سرمایه گذاری ذخایر ریاضی بیمه های زندگی در فعالیت های مالی و پروژه های عمرانی در ایران
- نقش خانه های دوم در گردشگری و جریان سرمایه در نواحی روستایی؛ مورد: ناحیه بینالود (خراسان رضوی)
- ارزیابی مکان گزینی شهرک های صنعتی از بعد سرمایه گذاری با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (نمونه موردی: منطقه کاشان)
- تاثیر سرمایه گذاریهای دولتی در قالب طرح و پروژه های عمرانی در تثبیت جمعیت سکونتگاه های روستایی مطالعه موردی: بخش وراوی شهرستان مهر (استان فارس)
- نقش تعاونی های روستایی در میزان درآمدزایی و افزایش سرمایه گذاری در حوزه صنایع دستی (مطالعه موردی: تعاونی های فرش دستباف استان خراسان رضوی)
- نقش اعتبارات کشاورزی در ماندگاری جمعیت روستایی: مطالعه موردی سکونتگاه های روستایی ناحیه کاشان
- تأثیرات سرمایه گذاری های عمرانی در توانمندسازی روستاها - مطالعه موردی : روستاهای بخش ابوزیدآباد - شهرستان کاشان -

نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی (نمونه ناحیه کاشان)

چکیده

دولتها از علل وجودی متنوعی برخوردارند که برخاسته از ماهیت آنهاست. جدای از این تنوع یکی از اهداف اساسی که دنبال می‌نمایند دستیابی به توسعه به منظور تأمین رفاه آحاد مختلف جامعه است. بر اساس ماهیت دولت ابزارهای مورد استفاده برای دستیابی به توسعه بسیار متنوع است. این ابزار از اقدام مداخله مستقیم تا تنظیم شرایط برای به‌کارگیری مکانیسم‌هایی چون دست‌نماری بازار می‌تواند متغیر باشد.

در ایران نیز دولت از این اصول کلان مبرا نیست و بر اساس قانون اساسی کشور موظف به تأمین رفاه استقلال و بسترسازی توسعه است. یکی از ابزار کلیدی دولت در ایران برای توسعه، برنامه سالانه یا پنج‌ساله است که براساس آن فعالیت‌های دولت برای زمانی مشخص تنظیم می‌گردد. این فعالیت‌ها عرصه‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد. یکی از این عرصه‌ها، روستاها و یکی از اشکال فعالیت دولت اجرای پروژه‌های عمرانی است. براساس صراحت برنامه‌های توسعه هدف اساسی این اقدامات یا به عبارت متداول سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در عرصه‌های روستایی رفع معضلات جامعه روستایی و بسترسازی توسعه است. ازجمله معضلات جامعه روستایی تخلیه جمعیتی روستاها و عدم تثبیت جمعیت روستایی می‌باشد. با توجه به صراحت برنامه انتظار می‌رود تا سرمایه‌گذاری‌های عمرانی منجر به تثبیت جمعیت و یا حداقل کاهش شدت آن در عرصه روستاها گردد.

به منظور ارزیابی موضوع مذکور تحولات جمعیتی و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در ناحیه کاشان- که شامل ۵۲ روستا می‌گردد- از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله نشان می‌دهد طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۸۲ مبلغ ۱۴۶۴۴۳/۴ میلیون ریال بر اساس قیمت پایه سال ۱۳۸۲ در این ناحیه هزینه شده است. این ارقام در طی ۲۴ سال باید اثرات خود را تاکنون نمودار ساخته و تحولات جمعیت نیز از آن در راستای اهداف برنامه‌ها متأثر می‌شد.

یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که ارتباطی قوی و مستحکم میان تحولات جمعیتی و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در ناحیه کاشان وجود ندارد. در طی زمان اگرچه ارتباطی ضعیف میان این دو عامل وجود داشته است اما با گذشت زمان میزان اثرگذاری آن کاهش و تبدیل به ارتباط منفی شده است. بنابراین برای حل معضل تخلیه جمعیتی روستاها نگرش‌ها و راهکارهای نوین و جدیدی مورد نیاز است. از سوی دیگر عوامل دفع‌کننده جمعیت از روستاها بسیار قوی‌تر از عوامل جذب جمعیت عمل کرده است. نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی با شیوه موجود بسیار کم‌رنگ و ضعیف است. به همین دلیل برای اثرگذاری بیشتر اقدامات دولت نیاز به تغییر در نحوه و ماهیت سرمایه‌گذاری‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تثبیت جمعیت روستاها، سرمایه‌گذاری عمرانی، توسعه، برنامه‌ریزی، کاشان، ایران.

طرح مسأله و فرضیه تحقیق

هدف از استقرار دولتها بسیار متفاوت و متنوع است. اما یکی از اساسی‌ترین این اهداف فراهم ساختن رفاه و توسعه برای افراد جامعه است. دولتها برای دستیابی به این اهداف از ابزارهای مختلف و متفاوت استفاده می‌کنند. این موضوع در مورد جامعه ایران و دولت ایران نیز مصداق می‌یابد. تمام ارکان دولت در تلاش است تا با به‌کارگیری مکانیسم‌های مختلف بتواند آنچه را که به صورت عام توسعه نامیده می‌شود برای ساکنین خود فراهم سازد. در این راستا قانون اساسی کشور تعیین‌کننده حدود مداخلات دولت در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. بر اساس اصول مختلف قانون اساسی دستیابی به توسعه از وظایف بنیادین دولت برشمرده شده است. از این رو دولت از ابزارهای مختلفی برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌گیرد.

مهمترین ابزار دولت را برنامه‌های کوتاه، میان و بلند مدت تشکیل می‌دهد که بعد از انقلاب سه برنامه میان مدت تهیه و اجرا شده و چهارمین برنامه در دست اجرا است. این برنامه‌ها با مشخص نمودن فعالیت‌ها و محورهای اقدامات کلان و خرد، مسیر اقدامات دولت را در عرصه‌های مختلف تعیین می‌کنند.

از سوی دیگر عرصه‌های مختلفی وجود دارد که دولت در آنها وارد شده و اقداماتی را انجام می‌دهد. یکی از این عرصه‌ها را فضاها و روستایی تشکیل می‌دهد. دولت در این عرصه بر اساس برنامه‌های کوتاه و میان مدت اقدام به اجرای اقدامات مختلف در سطوح گوناگون می‌نماید. بخش قابل توجهی از این اقدامات صرف نظر از سیاستگذاری‌ها و اقدامات مشابه منجر به اجرای پروژه‌های عمرانی در سطح سکونتگاه‌های روستایی می‌گردد که بر اساس تصریح برنامه‌ها هدف از آن حل معضلات سکونتگاه‌های روستایی و بسترسازی توسعه است (ر.ک برنامه سوم توسعه فصل عمران روستایی). از جمله معضلات جامعه روستایی که صریحاً توسط برنامه مشخص شده است تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی و عدم تثبیت جمعیت روستایی است. با توجه به صراحت برنامه‌ها در این راستا انتظار می‌رود که حاصل اقدام دولت و اجرای پروژه‌های عمرانی که از آن به عنوان سرمایه‌گذاری‌های عمرانی یاد می‌گردد، به تثبیت جمعیت روستایی منجر شود. بر همین اساس سؤال اصلی مطرح می‌شود که عبارت است از: آیا سرمایه‌گذاری‌های عمرانی از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۲ منجر به تثبیت جمعیت روستایی شده است؟ در مقابل این سؤال این فرض قابل طرح است که: سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به تثبیت جمعیت روستایی منجر شده است. با توجه به سؤال مذکور این مختصر تلاش می‌کند نشان دهد پیامدهای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در ناحیه کاشان چه ارتباطی با تحولات جمعیتی آن داشته است.

اهداف تحقیق

از زمانی که برنامه‌ریزی به شکل مدرن و امروزی در کشور مطرح شده است همواره مباحث مختلفی در ارتباط با توسعه روستایی در این برنامه‌ها عنوان شده است. اگرچه تا برنامه دوم، روستا در برنامه‌ریزی‌ها جایگاهی مشخص و ثابت نداشت. علیرغم این موضوع همواره مسایل مختلف روستایی به اشکال متفاوت و به صورت پراکنده در

برنامه‌های کشور مطرح می‌گردید. بعد از برنامه دوم توسعه، روستا فصلی خاص را به خود اختصاص داد. با این وضعیت اقدامات مختلفی برای حل مسایل روستایی در برنامه پیش‌بینی شده و اعتبارات قابل توجهی در طول زمان به این موضوع اختصاص یافته است. این اعتبارات در نهایت به شکل سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و اجرای پروژه‌های عمرانی در نواحی روستایی تجلی یافته است. دولت از این طریق تلاش کرده است تا معضلات روستایی کشور را حداقل تقلیل داده و بستر توسعه روستایی را فراهم سازد. همان‌گونه که در برنامه سوم توسعه به صراحت ذکر شده است معضل تخلیه جمعیتی روستاها باید کاهش می‌یافت. آیا این اتفاق و انتظار در واقعیت نیز به حقیقت پیوسته است؟ این تحقیق می‌کوشد تا ضمن پاسخگویی به این سؤال پیامدهای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی بر تحولات جمعیت و تثبیت جمعیت را در ناحیه کاشان تبیین نماید و نشان دهد چه میزان از این سرمایه‌گذاری‌ها توانسته‌اند منجر به ثبات جمعیت روستایی در ناحیه کاشان گردند.

مبانی نظری تحقیق

از اواسط سده بیستم میلادی و به ویژه طی دهه‌های اخیر پیوسته این پرسش اساسی مطرح بوده است که در چه شرایطی و چگونه می‌توان به توسعه دست یافت و در این میان، دولت‌ها چگونه می‌توانند در پیشبرد اهداف آن نقشی اساسی و تعیین کننده بر عهده گیرند. اگر بپذیریم که یکی از ساده‌ترین و در عین حال پذیرفتنی‌ترین تعاریف توسعه، تعریفی است که در گزارش خانم برونتلند آمده است، می‌توان آن را برآوردن نیازهای افراد و گروه‌های اجتماعی بدون آسیب‌رسانی به امکان پاسخگویی به نیازهای افراد و گروه‌های متعلق به نسل‌های آتی دانست (سعیدی، ۱۳۷۷ و نیز ن. گ. WCED, Brundtland Report, 1987). نخستین قسمت این تعریف ناظر بر اهداف سنتی اجتماعی-اقتصادی توسعه و قسمت دوم آن متضمن نوعی نگاه بلند مدت به فرآیند توسعه است (Varon, 2001, 602).

آشکار است که در این فرآیند دولت‌ها نقش مؤثری بر عهده دارند، اما ایفای این نقش توسط دولت‌ها به عوامل، زمینه‌ها و امکانات در دسترس بستگی دارد. در همین ارتباط، ساخت و ماهیت دولت‌ها و نیز نوع رابطه آنها با جامعه براساس ظرفیت‌های آن از اهمیتی بنیایی برخوردار است. بر این اساس، دولت براساس جوهره ماهوی خود به درک

توسعه می‌پردازد و برای دستیابی به آن به شیوه‌های خاصی دست می‌یازد. بنابراین، بروز عینی دامنه این گونه گرایش و عملکرد، در سیاست‌ها و راهبردهای متخذه توسط دولت‌ها قابل ردیابی است. با عنایت به این واقعیت که نحوه و دامنه نقش‌پذیری و اعمال انواع عملکردها توسط دولت‌ها، فراهم کننده زمینه‌ها و امکان تحقق اهداف عمومی زندگی اجتماعی است (اوانز، ۱۳۸۰، ۴۵-۴۴ و ن. گ. شافر، ۱۳۶۸) معمولاً سه رویکرد عمده نسبت به نوع و دامنه دخالت دولت‌ها در فرآیند توسعه مطرح می‌گردد که عبارتند از:

الف) رویکردی که با تکیه بر قابلیت‌های متصور دولت‌ها از یک سو و فقدان و یا ضعف بخش خصوصی و نیز نارسایی‌های بازار، از سوی دیگر، دخالت دولت را الزامی و نقش او را در پیشبرد فرآیند توسعه تعیین کننده به شمار می‌آورد. استدلال اساسی این رویکرد این است که مدیریت خصوصی در کشورهای کمتر توسعه یافته یا وجود ندارد و یا بسیار ضعیف است، بنابراین دولت نباید در انتظار پایداری یا تقویت آن بنشیند، بلکه می‌تواند به سادگی نقش آن را نیز بر عهده گیرد و با بهره‌گیری از منابع گوناگون موجود، جامعه را به سمت رشد و خود اتکایی سوق دهد (رینولدز، ۱۳۷۳، ۲۸۰).

ب) رویکردی که در تقابل با رویکرد نخست قرار دارد تکیه بر ناکارآمدی دولت‌ها و هزینه‌های نسبتاً بالای دخالت‌های آنها در فرآیند توسعه دارد. این رویکرد بر این استدلال استوار است که در حرکت‌های رشد و توسعه، ساز و کار (مکانیزم)‌های بازار، اساسی و تعیین کننده‌اند و دولت در حد و اندازه "دولت حداقل" قابل تصور است. این رویکرد که به نئولیبرالیسم منتسب شده است، به تدریج به صورت الگوی غالب در مجامع بین‌المللی متولی توسعه تبدیل شده است.

ج) سومین رویکرد، رویکردی است که در دهه‌های اخیر مورد تأکید قرار گرفته است و بر لزوم هماهنگی و همراهی دولت و بخش خصوصی (بازار) تکیه دارد. در این رویکرد دولت به عنوان هدایت کننده و تسهیلگر فرایند توسعه تلقی می‌شود و با کسب مجموعه داده‌ها و اطلاعات گوناگون و اتکاء به آنها، فراهم کننده بستر لازم برای کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر دستیابی به رشد و توسعه تصور می‌شود. براین اساس، مشارکت‌های مردمی در قالب ساختارها و نهادهای جامعه مدنی می‌تواند به عنوان موتور محرکه چرخه توسعه به حساب آید (ن. گ. اوانز، ۱۳۸۰، ۱۳).

در ایران، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی، فعالیت‌ها و اقدامات توسعه‌ای مطابق قانون از اختیارات دولتی است. البته، در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیش از ۳۰ بار لفظ "دولت" یا "دولتی" به کار رفته است که در همه موارد دارای معنا و مفهوم یکسان و تعریف یکنواختی نیست (ن. گ: یقین‌لو و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۰). در این ارتباط، آنچه که در قانون اساسی مورد تأکید است، رفع هرگونه ستمگری، ستمکشی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و همچنین ایجاد قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی است. در همین چارچوب، برطرف ساختن هر نوع محدودیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و همچنین تعمیم بیمه و نیز ایجاد اشتغال برای عموم از وظایف دولت به شمار آمده است (اصل ۲، بند ح؛ اصل ۳، بند ۱۲؛ اصل ۲۹ قانون اساسی؛ نیز ر. ک: منبع قبل). علاوه بر این‌ها، مبانی استقرار حکومت در ۹ محور تعیین شده است که عبارتند از: (۱) تأمین نیازهای اساسی؛ (۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه؛ (۳) تنظیم برنامه اقتصادی کشور؛ (۴) رعایت آزادی و انتخاب شغل؛ (۵) منع انحصار؛ (۶) منع اسراف و تبذیر؛ (۷) استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر؛ (۸) جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه؛ و (۹) تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی.

بر این مبنا، مداخله در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیربنایی در عرصه‌های مختلف کشور جزئی از وظایف دولت به حساب می‌آید. این مداخلات باید چنان جهت‌گیری شود که کشور به خودکفایی رسیده، از وابستگی‌ها و نیازهای اساسی جامعه تأمین گردد. به سخن کوتاه، هدف بنیادی از این همه، دستیابی کشور به سطحی مناسب از توسعه است. در این چارچوب، دولت مجاز به برنامه‌ریزی و انجام فعالیت‌ها و اقدامات مختلف برای دستیابی به این سطح مناسب و قابل قبول از توسعه است. لذا مهمترین ابزار منظم و قانونمند دولت برای دستیابی به توسعه را برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای تشکیل می‌دهند. (ر. ک: قانون اساسی، اصل ۴۱ و ۴۳ و نیز: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ۵۱). بدینسان، دولت طی دهه‌های اخیر از طریق برنامه‌های عمرانی-توسعه‌ای کوشیده است تا با فراهم‌سازی ممکن زمینه‌های مختلف رشد و تعالی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، زمینه‌های توسعه سکونتگاهی و در همین ارتباط، توسعه و عمران روستایی را نیز فراهم آورد. در ارتباط با هدف اخیر، اصلی‌ترین اقدام دولت همواره تأمین اعتبارات لازم برای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی بوده است. با توجه به

چارچوبه و ماهیت برنامه‌های عمرانی کشور، پیوسته اعتبارات مختلف روستایی تنها در سرفصل عمران روستایی مطرح نمی‌گردد، بلکه در سرفصل‌ها و بخش‌های متفاوت دیگر نیز، از جمله منابع آب، کشاورزی و ... پراکنده است. با این وجود، یکی از مسائلی که همواره در برنامه‌های سه‌گانه جمهوری اسلامی که تاکنون به اجرا درآمده، مورد توجه و تأکید بوده است، مسأله مهاجرت‌های روستایی- شهری، ناپایداری زندگی و فعالیت و به تبع آن، تخلیه جمعیتی روستاها و به سخن دیگر، کوشش در جهت تثبیت جمعیت آبادی‌ها بوده است. بر این اساس، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در محیط‌های روستایی قاعدتاً به منظور رفع موانع موجود و تعدیل نابرابری‌ها و نهایتاً دستیابی به این هدف (تثبیت جمعیت) در سکونتگاه‌های روستایی به انجام رسیده است.

حال پرسش اساسی این است که تخصیص اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌های دولت طی سالهای پس از انقلاب تا چه حد توانسته است به تعدیل نابرابری‌ها و زمینه‌سازی برای توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی منتهی گردد. این مقاله کوشش دارد تا این مبحث اساسی را طی مطالعه‌ای موردی در روستاهای ناحیه کاشان مورد بررسی قرار دهد (۱)، و به ویژه نشان دهد تا چه حد این‌گونه سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و خدماتی توانسته‌اند در دستیابی به هدف متصور خود، یعنی تثبیت جمعیت روستاها، مؤثر واقع شوند (ن. گ: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ۵۱). پیش از پرداختن به این مسأله و یافته‌های میدانی تحقیق، نگاهی اجمالی به چارچوب‌ها و سمت‌گیری‌های سه برنامه ۵ ساله عمرانی کشور نسبت به توسعه و عمران سکونتگاه‌های روستایی، ضروری به نظر می‌آید.

سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و توسعه روستایی

برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) (ن. گ: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ۵۱). همانند برنامه‌های پیشین از ماهیتی بخشی برخوردار بود. علاوه بر این، روستا و توسعه روستایی در این برنامه فاقد جایگاهی مشخص بود و بنابراین، اقدامات مرتبط با توسعه روستایی در فصول و بخش‌های مختلف به صورت پراکنده جای داده شده بود (ر. ک: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹). البته، عمران شهری به صورت مستقل مطرح شده بود و جالب آنکه عمران روستایی نیز بخش محدودی از آن را تشکیل می‌داد. به این ترتیب و با توجه به صراحت برنامه، قرار بود عمران مناطق روستایی در قالب "طرح‌های بهسازی روستایی" سرانجام پذیرد (همان، ۱۳۶۹، ۱۴۴). در این برنامه، دستیابی به عمران روستایی

از لحاظ راهبردی، محملی بود برای پیشگیری از مهاجرت‌های روستایی- شهری و جلوگیری از رشد بی‌رویه شهرها.

از مهمترین ویژگیهای برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، تخصیص سرفصل مستقلی تحت عنوان "عمران روستایی" بود (۲). اهداف متصور عمران روستایی در این برنامه شامل ابعاد و جنبه‌های مختلفی بود که طیف وسیعی از اقدامات را می‌طلبید و به ویژه عبارت بود از:

(الف) توسعه یکپارچه فضاها و دارای ظرفیت بالقوه رشد روستایی؛

(ب) بهبود کیفیت زیست، اصلاح ساختار کالبدی و بهبود کیفیت سکونتگاه‌های روستایی؛

(ج) ارتقاء نقش روستاییان در اداره امور روستاها؛

(د) ارتقاء ظرفیت اشتغال‌زایی صنایع کوچک دستی در محیط‌های روستایی؛

(ه) برقراری تناسب بین آرایه خدمات و جمعیت روستایی؛ و بالاخره،

(و) اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، ۵-۱).

جالب آنکه تحقق این همه می‌بایست از طریق سه نوع طرح که بیشتر جنبه مطالعاتی داشتند و اتفاقاً جنبه اجرایی آنها به درستی تعریف نشده بود، سرانجام یابد. این سه طرح عبارت بودند از: (۱) بهسازی و نوسازی روستاها؛ (۲) ساماندهی روستاهای پراکنده؛ و (۳) ایجاد و توسعه صنایع روستایی.

به منظور تحقق اقدامات عمران روستایی در این برنامه، ۳۶۳۱/۴ میلیارد ریال اعتبار عمرانی و ۳۲۵/۵ میلیارد ریال اعتبار جاری پیش‌بینی شده بود. البته در ارقام اعتبارات عمرانی برنامه‌های بهداشت محیط (آبرسانی) نگهداری راه‌های روستایی و تأمین برق نیز ملحوظ بود. یک برآورد ساده نشان می‌دهد که مطابق این برنامه، اگر تعداد آبادی‌های روستایی کشور را ۶۵۰۰۰ واحد در نظر گیریم، برای هر واحد روستایی رقمی معادل ۵۵/۸۶ میلیون ریال پیش‌بینی شده بود (۳).

آنچه قابل تأمل است، اینکه سند برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) خبر می‌داد که جامعه روستایی در وضعیت موجود هنوز با جمعیت رو به کاهش، کمبود فرصت‌های

شغلی، الگوی ناموزون توزیع جمعیت و ناپایداری واحدهای کوچک و بزرگ روبرو است. برای حل این معضلات، سیاست‌های راهبردی برنامه سوم بر محورهایی همچون ساماندهی عمران روستایی، ارایه منابع و تسهیلات مالی به روستاییان، سطح‌بندی ارایه خدمات و تغییر در ساختار عمران روستایی در بدنه دولت تأکید داشته است. بر همین مبنا، راهکارهای اجرایی این برنامه نیز با تبعیت از این گونه سیاست‌ها، بر دو محور اصلی زیر محدوده شده است:

الف) سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اشتغال‌زا (شامل تجهیز منابع آب و خاک، امکان‌سنجی استقرار صنایع روستایی و تجهیز نواحی صنعتی، حمایت از تعاونی‌ها و صنایع دستی)؛ و

ب) ساماندهی و بهسازی کالبدی روستاهای کشور (ایمن‌سازی سکونتگاه‌ها، تهیه و اجرای طرح‌های هادی و ساماندهی روستایی، اجرا و رعایت ضوابط فنی ساخت و سازهای روستایی و حفاظت و بهسازی روستاهای با بافت با ارزش) (سازمان برنامه و بودجه، ج ۲، ۱۳۷۸، ۲۹۸-۲۸۱).

سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در روستاهای ناحیه کاشان

سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در عرصه مورد بررسی، همچون اغلب نواحی کشور، دارای دو شکل متفاوت است: نخست، سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با مکان معین و دیگر، سرمایه‌گذاری‌های غیرمرتبط با مکان معین. به سخن دیگر، دسته اول، سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که در واحد مکانی و آبادی معین به کار گرفته می‌شود، در حالی که سرمایه‌گذاری‌های دسته دوم مکان و آبادی هزینه کرد آنها مشخص نیست. بر این اساس، در بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در روستاهای ناحیه، دسته اول سرمایه‌گذاری‌ها به راحتی قابل تشخیص و ارزیابی هستند، حال آنکه در مورد دسته دوم نمی‌توان به سادگی تشخیص داد، چگونه و بر کدام آبادی‌ها اثرگذار بوده‌اند. بنابراین، برآورد میزان اثربخشی سرمایه‌گذاری‌های نوع دوم با دشواری همراه است. برای رفع این مشکل، به نظر می‌آید تنها راه حل ممکن، سرشکن کردن کل رقم هزینه شده در سطح تمامی روستاها و تعیین میانگین سهم نسبی هر واحد روستایی باشد. آشکار است که این کار بر این فرض اساسی مبتنی است که اعتبارات عمرانی هزینه شده به طور یکسان در سطح ناحیه توزیع شده‌اند. هرچند، این امر تحقق نیافته است، اما به منظور ملحوظ داشتن

این گونه ارقام اعتباری که ضمناً غیر قابل چشم‌پوشی نیز هستند، چاره‌ای جز این کار به نظر نمی‌آید.

شواهد و مدارک موجود در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های عمرانی حاکی از آن است که طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۸۲ مبلغ ۱۴۶۴۴۳/۴ میلیون ریال (۴) در روستاهای ناحیه و رقمی معادل ۱۶۲۷۰/۸ میلیون ریال نیز به شکل غیر مستقیم در کل ناحیه هزینه شده است. سرانه این ارقام برای روستاهای ناحیه به ترتیب برابر ۲۸۱۶/۲ و ۳۱۲,۹ میلیون ریال است. در همین ارتباط، میانگین سالانه سرمایه‌گذاری عمرانی برای آبادی‌ها طی این مدت برابر ۶۱۰۱/۸ میلیون ریال بوده است که در واقع، طی دوره‌های زمانی مختلف با نوسان چشمگیری همراه بوده است (جدول ۱).

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، کمترین و بیشترین میزان به ترتیب در دوره‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۸ و ۱۳۷۴-۱۳۷۸ بوده است.

جدول ۱ میزان سالانه سرمایه‌گذاری عمرانی و خدماتی در روستاهای محدوده

دوره زمانی	میزان سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)	درصد از کل
۱۳۵۸-۱۳۶۱	۱۲۰۵۵/۵۴	۹/۳
۱۳۶۲-۱۳۶۷	۱۵۷۷۴/۰۱	۱۲/۲
۱۳۶۸-۱۳۷۲	۳۲۳۵۷/۱۰	۲۵/-
۱۳۷۳	۹۵۱۶,۴۸	۷/۳
۱۳۷۴-۱۳۷۸	۳۲۶۹۹/۱۲	۲۵/۲
۱۳۷۹-۱۳۸۲	۲۷۲۳۷/۳۶	۲۱/-
جمع	۱۲۹۶۳۹/۶۱	۱۰۰/-

مأخذ: براساس مدارک موجود در نهادها و دستگاه‌های اجرایی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل

رده‌بندی روستاها برحسب حجم سرمایه‌گذاری عمرانی گذارده شده، بیانگر آن است که بیشترین میزان مطلق سرمایه‌گذاری در روستاهای رده ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ میلیون ریال (شامل ۱۳ روستا) به انجام رسیده است. پس از آن، روستاهای رده ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیون ریال (شامل ۲۱ روستا) قرار دارد. کمترین حجم مطلق سرمایه‌گذاری به ترتیب به دو دسته از روستاهای رده کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال (شامل ۵ روستا) و رده بیش از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیون ریال (شامل ۸ روستا) اختصاص یافته است. این در حالی است که اگر سرانه

آبادی‌ها را در نظر گیریم، بیشترین و کمترین حجم سرمایه‌گذاری به ترتیب به رده بیش از ۱۰۰۰۰ میلیون ریال (۲ روستا) و رده کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال (۵ روستا) تعلق گرفته است (جدول ۲).

جدول ۲ رده‌بندی روستاها برحسب حجم سرمایه‌گذاری عمرانی

شرح	تعداد روستا	میزان هزینه	سرايه روستا	% از کل
بیش از ۱۰۰۰۰ میلیون ریال	۲	۲۱۲۳۸/۶	۱۰۶۱۹/۳	۱۶/۴
۷۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ میلیون ریال	۱	۷۸۹۹/۹	۷۸۹۹/۹	۶/۱
۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ میلیون ریال	۲	۱۱۳۴۴/-	۵۶۷۲/-	۸/۷
۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ میلیون ریال	۱۳	۴۵۷۳۹/۸	۳۵۱۸/۴۴	۳۵/۳
۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیون ریال	۲۱	۳۵۷۳۷/۶	۱۷۰۱/۸	۲۷/۶
۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیون ریال	۸	۶۰۶۶/۷	۷۵۸/۳	۴/۷
کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال	۵	۱۶۱۳/-	۳۲۲/۶	۱/۲
جمع	۵۲	۱۲۹۶۳۹/۶	۲۴۹۳/۱	۱۰۰/-

مأخذ: براساس مدارک موجود در نهادها و دستگاه‌های مختلف اجرایی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل

با توجه به اینکه بررسی آماری سرمایه‌گذاری‌های عمرانی گویای میانگین ۲۵۰۳,۳۲ انحراف استاندارد ۲۵۰۳,۳۲ و واریانس ۵۱۲۹۹۶۰ است، می‌توان نتیجه گرفت که این ارقام نشانگر ناهمگونی بارزی هستند، زیرا هرچه این ارقام بزرگتر باشند، میزان همگونی در میزان سرمایه‌گذاری‌ها در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کمتر است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در عرصه‌های مختلف به شکل‌های متفاوت و به صورت فعالیت‌ها و اقدامات بسیار متنوعی صورت گرفته است.

در این ارتباط، بررسی طیف اجرایی سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در آبادی‌های مشخص نشان می‌دهد که این‌گونه اعتبارات در ۶۰ محور مختلف از اقدامات هزینه شده است. بررسی فراوانی این محورها سرمایه‌گذاری‌ها مؤید آن است که بیشترین دفعات اقدام و هزینه اعتبار به ترتیب به احداث و بهسازی راه، تأمین آب آشامیدنی، ساخت و بهسازی حمام، اجرای طرح هادی و به دنبال آن، برق‌رسانی و احداث مدرسه اختصاص داشته است. از لحاظ حجم اعتبار سرمایه‌گذاری شده، بیشترین میزان به ترتیب در زمینه‌های احداث و بهسازی راه‌های روستایی، تأمین آب آشامیدنی و به دنبال آن، احداث شبکه مخابرات و ساخت و بهسازی حمام هزینه شده است (جدول ۳).

جدول ۳ نوع و دفعات سرمایه گذاری های عمرانی و خدماتی طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۸۲ در روستاها

ردیف	نوع اقدام	هزینه (میلیون ریال)	فراوانی اقدام
۱	احداث، تجهیز، تعریض و بهسازی راه روستایی	۳۷۰۵۵/۳	۹۳
۲	تأمین آب آشامیدنی و ترمیم و توسعه شبکه آب	۱۶۶۰۵/۷	۶۵
۳	احداث و بهسازی حمام	۱۱۰۸۶/۰	۵۴
۴	اجرای طرح هادی روستایی	۷۰۶۴/۴	۴۵
۵	برقرسانی و احداث و اصلاح شبکه روستایی	۱۲۳۴۶/۲	۳۶
۶	احداث مدرسه	۷۵۳۲/۸	۳۰
۷	مطالعه، بازسازی و مرمت سد، بند خاکی و سیل بند	۷۹۹۴/۶	۲۳
۸	ایجاد و تجهیز مرکز درمانی، خانه بهداشت و بهداشت محیط	۲۳۶۹/۳	۱۹
۹	تسطیح و تجهیز زمین ورزشی و ایجاد رختکن	۹۹۶/۴	۱۷
۱۰	غسالخانه	۱۶۲۷/۸	۱۶
۱۱	احداث شبکه مخابرات و مرکز تلفن	۱۴۳۵۴/۳	۱۴
۱۲	حفر چاه، احداث استخر، منبع آب و آب انبار	۷۵۱/۴	۱۰
۱۳	تهیه طرح هادی	۲۳۸/۰	۸
۱۴	احداث کانال های آبیاری، آب تما و آبشخور	۱۸۹/۵	۸
۱۵	بازسازی، مرمت و بهسازی قنات، چشمه و چاه	۴۲۵/۳	۶
۱۶	آبخیزداری، ساحل سازی و کنترل سیلاب	۱۴۱۸/۲	۵
۱۷	کتابخانه	۸۲۴/۷	۴
۱۸	ساخت مسجد	۳۳/۲	۲
۱۹	مطالعه و احداث ناحیه صنعتی	۱۷۲/۷	۲
۲۰	تثبیت شن های روان و مالچ پاشی	۱۳۰/۷	۱
۲۱	بازسازی و مرمت محوطه تاریخی	۴۳/۶	۱
۲۲	مجتمع دامداری	۳۶۴/۶	۱
۲۳	تجهیز و راه اندازی معدن و طرح تلفیظ باریت	۵۶۴۷/۰	۱
۲۴	مرتعداری	۴۸/۳	۱
۲۵	رختشوی خانه	۵۸/۳	۱
۲۶	آسفالت محوطه پایگاه بسیج	۲۰/۳	۱
۲۷	سایر	۲۴۱/۰	۳
جمع	-	۱۲۹۶۳۹/۶	۴۶۷

مأخذ: براساس مدارک موجود در نهادها و دستگاه های مختلف اجرایی شهرستان های کاشان و آران و بیدگل

اثر بخشی سرمایه‌گذاری عمرانی در تثبیت جمعیت روستایی

جمعیت سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان در سرشماری عمومی ۱۳۴۵ برابر ۲۶۲۹۳ نفر (۶۳۷۳ خانوار) بوده است. این تعداد طی زمان به طور مطلق افزایش یافته و در سرشماری عمومی ۱۳۷۵ به ۳۸۷۵۴ نفر (۹۳۴۲ خانوار) رسید. با این وجود شواهد حاکی از آن است که آهنگ رشد جمعیت در این ناحیه، همچون اغلب نواحی روستایی کشور، از روندی رو به کاهش تبعیت نموده است. داده‌های آماری نشان می‌دهند که گرچه رشد جمعیت روستایی ناحیه طی دوره ۵۵-۱۳۴۵ از نرخ متعادلی برخوردار بوده است، این میزان در دوره ۶۵-۱۳۵۵ رو به نقصان نهاده و به ۱/۷٪ سالانه رسید. این در حالی است که در دوره‌های بعدی آماری (۷۰-۱۳۶۵ و ۶۵-۱۳۷۵)، این روند نقصان ادامه می‌یابد و نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه به ۰/۷٪ سالانه کاهش می‌یابد (جدول ۴) (۵).

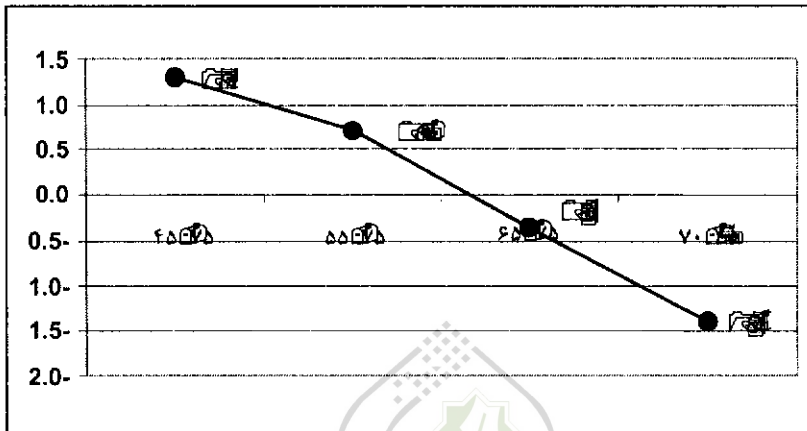
جدول ۴ میزان و رشد جمعیت روستایی ناحیه کاشان در دوره‌های سرشماری عمومی

سال سرشماری	جمعیت		رشد سالانه جمعیت (%)
	خانوار	نفر	
۱۳۴۵	۶۳۷۳	۲۶۲۹۳	۲/۵
۱۳۵۵	۷۶۸۵	۳۳۶۸۲	۱/۷
۱۳۶۵	۸۸۱۴	۴۰۱۹۳	۰/۷
۱۳۷۰	۹۰۸۲	۴۱۵۵۰	۰/۷
۱۳۷۵	۹۳۴۲	۳۸۷۵۴	۰/۷

مأخذ: فرهنگ آبادی‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵؛ دیسکت داده‌های ۱۳۷۰ و شناسنامه آبادی‌ها ۱۳۷۵

همان‌گونه که نمودار رشد جمعیت ناحیه در سال ۱۳۷۵ نسبت به دوره‌های زمانی پیشین نشان می‌دهد، رشد جمعیت روستایی ناحیه در گذر زمان با روندی نزولی همراه بوده است. این روند رشد مطابق نمودار ۱، گویای حرکت از رقم ۱/۳+٪ به سمت رقم ۱/۳-٪ است. البته، علیرغم این سیر نزولی رشد جمعیت روستایی در سطح کل ناحیه، می‌توان گفت میزان مهاجرفرستی این ناحیه طی دوره زمانی ۶۵-۱۳۵۵ به طور نسبی و در مقایسه با نرخ مهاجرفرستی کل کشور، از نرخ کمتری برخوردار بوده است. گرچه این روند از سال ۱۳۶۵ به بعد به شدت رو به افزایش نهاده است، به نحوی که در طی یک

دوره زمانی ۵ ساله تنها ۱۳۵۷ نفر به جمعیت روستایی ناحیه افزوده شده است؛ این به آن معناست که در خلال سال‌های مذکور سالانه تنها ۵٫۲ نفر به جمعیت هر یک از روستاها افزوده شده است. با توجه به این روند، می‌توان نتیجه گرفت که میان سرمایه‌گذاری عمرانی و حفظ جمعیت روستایی ارتباط معنی‌داری وجود نداشته است.



مأخذ: فرهنگ آبادی‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵؛ دیسکت داده‌های ۱۳۷۰ و شناسنامه آبادی‌ها ۱۳۷۵
نمودار ۱ روند رشد جمعیت در ناحیه کاشان طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵

به منظور تبیین میزان همبستگی میان نگهداشت جمعیت روستاها و حجم سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، در نخستین گام اولیه آشکار شد که همبستگی بین این دو مقدار برابر ۰/۳۸۱۴۱ است، یعنی ارتباط ضعیفی میان نگهداشت جمعیت و سرمایه‌گذاری عمرانی در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه حاکم است. برای تدقیق این نتیجه، کوشش شد تا معلوم گردد، آیا تفاوت‌های محیطی موجود در سطح ناحیه می‌تواند در دامنه این همبستگی اثربخش باشد یا نه؟ به منظور پاسخگویی به این پرسش، ارتباط بین نرخ رشد جمعیت آبادی‌های روستایی و حجم سرمایه‌گذاری‌های عمرانی برحسب موقعیت متفاوت سکونتگاه‌های روستایی مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۵ نیز ارائه شده است. این محاسبه نشان داد که جز در بخش‌های کوهستانی و مرتفع ناحیه، بین این دو متغیر هیچ‌گونه همبستگی مشخص و آشکاری وجود ندارد.

علاوه براین، با توجه به محدوده زمانی مورد تأکید در این مطالعه و به منظور تدقیق بیشتر نتایج به دست آمده، روستاهای نمونه انتخاب شده از بین سکونتگاه‌های ناحیه طی

دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی، یعنی دوره زمانی ۸۲-۱۳۵۸، مورد بررسی قرار گرفت (۶). در مجموعه روستاهای نمونه طی این زمان، جمعا مبلغی معادل ۵۱۲۹۲,۲ میلیون ریال (بر اساس قیمت پایه سال ۱۳۸۲) به شرح جدول ۶ هزینه شده است.

جدول ۵ همبستگی نگهداشت جمعیت و حجم سرمایه گذاری عمرانی طی سال های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

همبستگی	نرخ رشد ۱۳۷۰-۷۵	نرخ رشد ۱۳۶۵-۷۵	نرخ رشد ۱۳۵۵-۷۵	نرخ رشد ۱۳۴۵-۷۵	تعداد آبادی	موقعیت
۰/۰۰۸۰۸۳	-۰/۵	۱/۳	۰/۵	۳/۶	۱۳	پست و کویری
۰/۰۲۲۴۰۸	-۰/۷	-۰/۱	۲/۲	۲/۵	۱۷	دشتی
۰/۰۲۷۸۳۷	-۰/۷	۰/۱	۲/۶	۱/۶	۱۸	پایکوهی و دامنه ای
۰/۳۷۲۱۲	۰/۳	۰/۵	۲/۲	۴/۵	۴	کوهستانی و مرتفع
۰/۰۱۵۰۹۷	۰/۳	۰/۵	۲/۲	-	۵۲	جمع

مأخذ: فرهنگ آبادی های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵؛ دیسکت داده های ۱۳۷۰ و شناسنامه آبادی ها ۱۳۷۵

جدول ۶ میزان اعتبارات عمرانی هزینه شده در روستاهای نمونه

نام روستا	میزان هزینه شده بر حسب قیمت پایه ۱۳۸۲
ارمک	۱۲۱۴,۱
استرک	۳۸۶۶,۶
جوشقان استرک	۳۷۹۹,۲
ریجن	۷۷۸,۷
سار	۴۶۷۴,۱
قزآآن	۱۰۶۲۴,۴
قهرود	۴۴۴۳,۷
محمدآباد	۲۵۷۹,۱
محمودآباد	۲۴۸۲,۶
مشکان	۱۰۶۱۴,۲
ویدوج	۳۷۶۷,۷
ویدوجا	۲۴۵۱,۷
جمع	۵۱۲۹۶,۲

مأخذ: براساس مدارک موجود در نهادها و دستگاه های مختلف اجرایی شهرستان های کاشان و آران و بیدگل

به این ترتیب، ارتباط نرخ رشد (به عنوان سنجه نگهداشت جمعیت) و حجم اعتبارات عمرانی هزینه شده در سکونتگاه‌های روستایی با توجه به رقم اعتبارات طی این مدت مورد محاسبه قرار گرفت. به علت آنکه مبنای نخستین سرشماری پس از انقلاب، سال ۱۳۶۵ بود و اگر مبنای محاسبه همبستگی این سال قرار می‌گرفت، تحولات جمعیتی طی حدود ۷ سال بالاجبار نادیده گرفته می‌شد، داده‌های جمعیتی سال ۱۳۵۵ به عنوان داده‌های مبنای در نظر گرفته شد (جدول ۷).

جدول ۷ جمعیت روستاهای نمونه در سال‌های مختلف (نفر)

نام روستا	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۱	رشد ۸۱-۱۳۵۵
ارمک	۸۵۷	۷۲۹	۶۱۷	۶۹۸	۴۲۶	۳۴۳	-۲/۹۷
استرک	۹۴۴	۱۲۴۵	۱۷۷۵	۱۸۱۴	۱۵۷۸	۱۵۶۹	+۰/۹۳
جوشقان استرک	۱۴۹۹	۱۷۳۰	۲۳۵۵	۲۳۸۰	۲۲۷۷	۲۱۳۲	+۰/۸۴
ریجن	۲۳۹	۳۵۲	۴۶۸	۵۰۶	۵۴۴	۷۷۲	+۳/۱۹
سار	۵۶۵	۵۱۶	۴۱۷	۳۸۶	۲۴۱	۱۴۹	-۴/۸۵
قزآن	۷۳۷	۱۰۷۳	۸۸۹	۵۴۷	۳۳۶	۲۸۸	-۵/۱۳
قهرود	۱۴۳۰	۱۲۴۳	۱۲۵۲	۱۳۲۳	۱۰۰۷	۹۹۵	-۰/۸۹
محمد آباد	۴۵۳	۸۴۱	۱۳۶۹	۱۵۶۸	۱۶۳۰	۲۱۹۱	+۳/۹۰
محمودآباد	۴۶۳	۷۳۲	۹۴۲	۱۰۱۴	۱۰۴۷	۱۰۰۷	+۱/۲۸
مشکان	۱۲۷۲	۱۹۶۲	۳۲۵۷	۳۶۱۵	۳۶۷۴	۳۶۵۶	+۲/۵۲
ویدوج	۷۵۲	۱۰۷۲	۱۴۹۰	۱۶۷۰	۱۵۴۳	۱۶۲۲	+۱/۶۷
ویدوجا	۶۳۶	۸۸۷	۱۲۹۱	۱۱۲۳	۱۰۰۴	۹۹۹	+۰/۴۸
جمع کل	۹۸۴۷	۱۲۳۸۲	۱۶۱۲۲	۱۶۶۴۴	۱۵۳۰۷	۱۵۷۲۳	+۰/۹۶

مأخذ: فرهنگ آبادی‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵؛ دیسکت داده‌های ۱۳۷۰ و شناسنامه آبادی‌ها ۱۳۷۵

محاسبه همبستگی میان حجم اعتبارات عمرانی و جمعیت روستاهای نمونه رقمی معادل ۰/۳۳۱۵ را نشان می‌دهد. این رقم بدان معناست که سرمایه‌گذاری‌های عمرانی اگرچه در نگهداشت جمعیت بی‌تأثیر نیست، اما دامنه این اثرگذاری نیز چندان قابل توجه نیست. از سوی دیگر، بررسی همبستگی میان تغییرات جمعیتی و حجم سرمایه‌گذاری عمرانی، از همبستگی منفی به میزان ۰/۳۰۷۲۷- حکایت دارد. این رقم نشان می‌دهد، اگرچه همان‌گونه که پیش از این گفته شد، بین نگهداشت جمعیت و سرمایه‌گذاری عمرانی همبستگی ضعیفی وجود دارد، اما با لحاظ کردن جمعیت سال ۱۳۸۱ آبادی‌های نمونه، میزان همبستگی به ارتباطی منفی تبدیل می‌گردد.

شواهد حاکی از آن است که نوع و شکل سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و خدماتی در محیط‌های روستایی، گرچه زمانی در نگهداشت جمعیت روستاها بی‌تأثیر نبود، با گذشت زمان از اثربخشی آن کاسته شده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی تنها توانسته‌اند، نرخ کاهش جمعیتی آبادی‌ها را کند کرده، تخلیه جمعیتی آنها را به تعویق اندازند. به این ترتیب، ثبات روستایی و توان نگهداشت جمعیت در روستاهای ناحیه متأثر از عوامل و نیروهای دیگری است و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، بدون توجه به عوامل و نیروهای دیگر، از جمله تمرکز امکانات، نابرابری‌های روستایی- شهری و رفتارهای فرهنگی- اجتماعی، نمی‌تواند نقش چندانی در تثبیت و پایداری زندگی و فعالیت افراد و گروه‌های روستایی داشته باشد.

جمع‌بندی

توسعه دارای تعاریف متفاوتی است، اما پای‌بندی به این یا آن تعریف، به تنهایی چاره‌ساز نیست و نمی‌تواند صورت مسایل واقعی سکونتگاه‌های روستایی را تغییر دهد. مهم‌تر از آن، این واقعیت است که بتوانیم صورت نیازهای افراد و گروه‌های روستایی را به تفکیک و در هماهنگی با تحولات زمانی درک نموده، آن را اساس برخوردهای مداخله جویانه خود قرار دهیم. در همین ارتباط، یکی از اصلی‌ترین نارسایی‌های برنامه‌های روستایی و به دنبال آن، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی- خدماتی در دهه‌های اخیر عدم عنایت لازم به تحولات اجتماعی- اقتصادی از یک سو و دگرگونی‌های فکری- ادراکی و رفتارهای فرهنگی- اجتماعی از سوی دیگر بوده است. فرض اساسی این است که این مجموعه که خود قاعداً باید زمینه‌ساز و هموارکننده تهیه و تدوین برنامه‌ها و تخصیص فعالیت‌ها و اقدامات به منظور دستیابی به اهداف متصور عمران و توسعه روستایی باشند، پیوسته مورد بی‌مهری کارشناسان و دست‌اندرکاران امور روستایی بوده‌اند. به این ترتیب و در فقدان این چارچوب متحول، شالوده فکری و رویکرد عملی در پیشبرد اهداف بسیاری از برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی- توسعه‌ای از انسجام لازم و کارآمدی کافی برای چاره‌جویی یا تعدیل نارسایی‌های موجود برخوردار نبوده است. این است که علیرغم کوشش‌های قابل توجه در زمینه دلسوزی و تخصیص اعتبارات برای اجرای طرح‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف روستایی، هنوز بسیاری از مسایل مبتلا به

این گونه محیط های اجتماعی نه تنها باقی است، بلکه بعضا به صورتی حادثر و حتی به شکل مزمن درآمده است. آشکار است که بی توجهی و بی مهری به سکونتگاه های روستایی و تصور بهبود وضعیت روستاها تنها با توسل به سرمایه گذاری های عمرانی - خدماتی و اجرای چند پروژه، آن هم در روستاهای منتخب، نتوانسته و قطعا نخواهد توانست چاره جوی توسعه نیافتگی روستاها باشد (سعیدی، ۱۳۸۲، ۲۱-۲۴ و سعیدی، ۱۳۸۳، ۱۴-۱۰).

این بررسی نشان داد که تداوم سرمایه گذاری های عمرانی - خدماتی به شکل موجود لاقابل با دو چالش اساسی روبرو است، زیرا:

الف) سرمایه گذاری های عمرانی - خدماتی به شکل موجود، نقش مؤثری در تثبیت و نگهداشت جمعیت روستایی ایفا نکرده است؛ و

ب) روستاهای کشور، همچون کل نظام سکونتگاهی سرزمین، پیوسته در معرض تحول قرار دارند، بنابراین، نمی توان به شیوه های سنتی برای آنها نسخه پیچی های سراسری نمود و مسایل آنها را از مسایل کانون های شهری مجزا کرد.

پی نوشت ها:

۱. در اینجا، به کارگیری مفهوم ناحیه با توجه به معنای دقیق آن در زبان فارسی است؛ بنابراین، منظور از ناحیه کاشان، ناحیه تاریخی و سنتی کاشان است. برای مقایسه و بحث بیشتر، نگاه کنید به: ضرابی، ۱۳۷۸.

۲. سال ۱۳۷۳ "سال بدون برنامه" محسوب می شود.

۳. لازم به ذکر است که در برنامه دوم زیرفصلی نیز به عنوان "توسعه نواحی خاص و محروم" در نظر گرفته شده بود که مطابق آن، مبلغ ۲۹۶ میلیارد ریال به منظور اجرای طرح های توسعه و عمران منطقه ای، ۱۷/۵ میلیارد ریال در سال برای برنامه قابلیت سنجی استانها و ۱۰/۹ میلیارد ریال جهت برنامه آمایش در نظر گرفته شد.

۴. هزینه و ارقام به میلیون ریال بوده و بر مبنای قیمت پایه سال ۱۳۸۲ محاسبه شده است.

۵. لازم به ذکر است که به منظور واقعی شدن ارقام مربوط به جمعیت روستایی، تمام نقاطی که طی سال های مورد نظر به شهر تبدیل شده اند، از جامعه آماری حذف گردیدند تا روند رشد واقعی جمعیت روستایی بهتر مشخص گردد.

۶. برای تعیین نمونه از روش "نمونه گیری رده بندی شده برحسب طبقات مختلف" بهره گرفته شده است. به این ترتیب، با احتساب سرمایه گذاری عمرانی به عنوان شاخص ترین معیار، ۶ رده

روستایی به شرح زیر به دست آمد: (۱) روستاهای با کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال؛ (۲) روستاهای با ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیون ریال؛ (۳) روستاهای با ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیون ریال؛ (۴) روستاهای با ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ میلیون ریال؛ (۵) روستاهای با ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ میلیون ریال؛ و (۶) روستاهای با بیش از ۷۵۰۰ میلیون ریال. البته میزان کم سرمایه‌گذاری‌ها در گروه اول عمدتاً به علت محدودیت‌های قانونی سرمایه‌گذاری در آنهاست.

منابع و مآخذ

۱. اوانز، پیتر، ترجمه عباس زندیاف و عباس مخبر (۱۳۸۰)؛ توسعه یا چپاول؟ نقش دولت در تحول صنعتی، تهران.
۲. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)؛ سابقه برنامه‌ریزی در ایران، تهران.
۳. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹)؛ لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)؛ هدف‌ها، خط‌مشی‌های اساسی و برنامه‌های اجرایی بخش‌های اقتصادی در برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۵. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)؛ سند برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سال‌های ۱۳۷۸-۸۳)، جلد دوم، تهران.
۶. سعیدی، عباس؛ توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۸۷، تابستان ۱۳۷۷، صص ۱۷-۲۲.
۷. سعیدی، عباس؛ توسعه شهری و توسعه روستایی، مجله شهرداری‌ها، دورم جدید، سال پنجم، شماره ۵۸، اسفند ۱۳۸۲، صص ۲۱-۲۴.
۸. سعیدی، عباس؛ برخی الزامات دهگردانی در پرتو مشارکت روستایی، مجله دهیاری‌ها، سال دوم، شماره ۹، شهریور ماه ۱۳۸۳، صص ۱۰-۱۴.
۹. شافر، فرانتس، ترجمه عباس سعیدی؛ درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۸، ۱۳۶۸، صص ۴-۱۰.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)؛ تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران.
۱۲. لوید، ج. رینولدز، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی (۱۳۷۳)؛ "دولتها و رشد اقتصادی"، در: می پر، جرال: از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، تهران.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۴۸)؛ فرهنگ آبادی‌های کشور (۱۳۴۵)، استان مرکزی، تهران.
۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۵۹)؛ فرهنگ آبادی‌های کشور (۱۳۵۵)، استان اصفهان، تهران.
۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۶۸)؛ فرهنگ آبادی‌های کشور (۱۳۶۵)، شهرستان کاشان، تهران.
۱۶. مرکز آمار ایران، دیسکت داده‌های ۱۳۷۰.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)؛ شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان کاشان، تهران.
۱۸. یقین‌لو، مهرانگیز (و دیگران)؛ مبانی اندیشه‌ای برنامه چهارم توسعه، در: تدبیر، شماره ۱۳۳، خرداد ۱۳۸۲، صص ۷۸-۸۸.
19. Veron, Rene (2001); the New kerala model, lessons from sustainable Development. in: World Development, vol 29, No 4, pp. 601-617.
20. WCED (1987); Our Common Future, Brundtland Report.